

بحث در موضوعات حقوقی

کیفیت تخفیف در مورد ماده ۱۶۵

با صدمهٔ بیکی از اشخاص مذکور در آن سه ماده وارد کند که موجب جراحی نشود (کیفرش حداکثر مجازاتی که برای توهین بان شخص مقرر شده) و ماده ۱۶۶ بیان میکند حکم موردی را که نسبت بیکی از آن اشخاص صدمه بدنی موجب جرح یا مرض وارد کنند (کیفرش حبس مجرد از دو سال تا ۵ سال)

ماده ۴۵ مکرر قانون کیفر عمومی بیان میکند حکم تخفیف را در دو مورد: یکی موردی که کیفر قانونی حداکثر کیفری باشد که برای اصل عمل مقرر شده مثل بعض موارد تعدد بزه که بموجب ماده ۲ الحاقی بآئین دادرسی کیفری حداکثر کیفر باید داده شود و مثل بعض موارد تکرار بزه که باید حداکثر با چیزی علاوه داده شود و مثل مورد ماده ۲۰۷ قانون کیفر عمومی که در بعضی فروض حداکثر کیفر مقرر شده و مانند اینها که اجازه داده شده است در صورت وجود کیفیات مخففه در نظر دادگاه کیفر را از حداکثر تنزل دهد بدون آنکه بتواند از حد اقل پائین تر بیاورد (در اینجا هم بین مستشاران دیوان کشور اختلاف نظری موجود است که آیا مراد از حد اقلی که نمیتوان کیفر را از آن تنزل داد حداقل کیفر اصل عمل است یا حداقل کیفری که بملاحظه تکرار پیدا شده و بنظر من مقصود حداقل کیفر اصل عمل است) و یکی در موردی که کیفر عملی معین و مقطوع باشد مثل مورد قسمت اول ماده ۱۹۳ که کیفر توقیف غیر قانونی را سه سال حبس تأدیبی معین کرده اگرچه در دنباله همان قسمت برای تهیه کننده مکان توقیف حد اقل این کیفر را معین مینماید ولیکن چون حداقلی ذکر نشده

توهین بمامورین و مستخدمین دولت در حین انجام وظیفه یا بسبب آن در قانون کیفر عمومی فصل مخصوصی دارد که از ماده ۱۶۲ شروع میشود و در سه ماده متوالی حکم توهین باصناف مستخدمین ذکر میشود باین تفصیل: در ماده ۱۶۲ توهین مستخدمین دولت یا اعضای دیوان محاسبات (کیفرش از هشت روز تا یک سال حبس تأدیبی) - توهین بوزیر یا معاون (کیفرش از سه ماه تا سه سال حبس تأدیبی) و توهین بدادگاه قضائی یا اداری یا یکی از اعضاء آنها در حال انعقاد جلسه دادرسی (کیفر از یک ماه تا دو سال)

در ماده ۱۶۳ توهین بنمایندگان مجلس (کیفر از سه ماه تا سه سال) و توهین بمستخدمین اداری مجلس (کیفر از هشت روز تا یک سال)

در ماده ۱۶۴ توهین بر رؤسا یا اعضای انجمنهای بلدیه یا ایالتی یا ولایتی یا هیئت منصفه یا مصدقین دادگاههای تجارته (کیفر از یک ماه تا یک سال) و در ذیل این ماده توهین بمستخدمین انجمنهای مذکور (کیفر از هشت روز تا شش ماه)

پس بر حسب این سه ماده هر کس بیکی از اشخاص مذکور درین مواد چه در حین اجرای ماموریت و چه به سبب آن با اشاره یا قول یا تهدید و غیره اهانت کند بیکی از کیفرهای فوق بر حسب اینکه توهین شده داخل کدام طبقه باشد محکوم خواهد شد.

دو ماده بعد مشتمل بر دو استثناست:

ماده ۱۶۵ بیان میکند حکم موردی را که در حین انجام وظیفه یا بسبب انجام آن با حربه یا بی حربه

ناچار باید گفت کیفر توقیف غیر قانونی مقطوعاً سه سال حبس تادیبی است و ماده ۴۵ مکرر در این گونه موارد اجازه داده است که فقط تا یک ربع از آن کیفر معلوم در صورت وجود مخفف کسر شود

پس از معلوم شدن این مقدمه گوئیم در باب کیفیت تخفیف در مورد ماده ۱۶۵ یعنی صدمه بدنی وارد کردن بمستخدم و غیره در حین انجام وظیفه یا بمناسبت آن دو نظر است یکی آنکه بر طبق قسمت دوم ماده ۴۵ مکرر رعایت تخفیف شود و از حداکثر کیفر مقرر که بحسب اختلاف موارد مختلف است تا یک ربع کسر شود پیروان این نظریه چنین استدلال میکنند که در ماده ۱۶۵ اسمی از توهین برده نشده فقط عملی را ذکر کرده و بجای آنکه بگوید کیفر این عمل در مورد قسمت اول ماده ۱۶۲ مقطوعاً یک سال حبس تادیبی است و در مورد قسمت دوم آنماده مقطوعاً سه سال حبس تادیبی و همچنین تا آخر - گفته است حداکثر کیفری که برای توهین باین اشخاص مقرر است

احکامی هم از دادگاههای جزائی بر طبق این نظریه صادر شده که در بعضی شعب دیوان کشور استوار شده نظریه دیگر این است که صدمه بدنی وارد کردن بکسی واقعاً قسمی از توهین است و در فصل مخصوص توهین هم آورده شده و مفاد ماده ۱۶۵ این میشود که اگر توهین بوسیله ایراد صدمه بدنی باشد حداکثر کیفر توهین بمرتکب داده میشود و بنا برین داخل صورت اول ماده ۴۵ مکرر میشود و در مقام تخفیف میتوان کیفر را تا حد اقل که در بعضی موارد هشت روز و در بعضی موارد یکماه و در بعضی سه ماه است بحسب مورد تنزل داد اینها میگویند اگر ایراد صدمه بدنی و جرح توهین نبود ذکرش در اینجا بی مناسبت بود و بعلاوه لازم میآید که اگر کسی بیک نفر و کیل مجلس شوری مثلاً در حین انجام وظیفه یا بمناسبت آن جرحی وارد کند بتوان با رعایت تخفیف کیفر او را ششماه حبس تادیبی معین کرد

لکن اگر صدمه که وارد میکند منتهی بجرح نشود حتی با رعایت تخفیف هم نتوان کفر را از بیست و هفت ماه حبس تادیبی پائین آورد زیرا کیفر عملی حداکثر است که سه سال حبس تادیبی باشد و فرض اینست که تخفیف هم بکسر تاربع میشود بلکه لازم میآید اگر صدمه بدنی غیر جرح بو کیل یا وزیری وارد شود مرتکب را بتوان با تخفیف ششماه حبس تادیبی داد و اگر همان صدمه بیک مستخدم جزء وارد شود از نه ماه کمتر نتوان کیفر معین کرد و معلوم است که این برخلاف حکمت و مصلحت است .

اخیراً موضوعی در دیوان کشور مطرح شده که هیئت عمومی مستشاران رأیی داده اند برای خوانندگان مفید خواهد بود که خلاصه از جریان و عین رأی مزبور در اینجا آورده شود .

شخصی در یکی از استانهای اسپانی در حین انجام وظیفه صدمه بدنی وارد کرده و در دادگاه جنحه با استناد بماده ۱۶۵ قانون کیفر عمومی و رعایت تخفیف بیست روز حبس تادیبی محکوم شده و از آن پژوهش خواسته و دادستان استان نیز تبعاً پژوهش خواسته و دادگاه استان حکم بدویرا گسیخته و با استناد بهمان ماده و با رعایت تخفیف متهم را بدو ماه حبس تادیبی محکوم کرده محکوم از آن حکم فرجام خواسته و نماینده دادسرای دیوان کشور نیز فرجام تبعی خواسته و چنین استدلال کرده .

کیفر مقرر در ماده ۱۶۵ قانون کیفر عمومی که حداکثر کیفر معین شده در ماده ۱۶۲ آقانون است یک سال حبس تادیبی میشود و چون این کیفر بدون حد اقل و اکثر است در مقام تخفیف مشمول قسمت اخیر ماده ۴۵ مکرر قانون نامه بوده و درین مورد دادگاه میتواند کیفر متهم را بکمتر از یک ربع از میزان کیفر اصلی تخفیف دهد و تعیین دو ماه حبس تادیبی در باره متهم برخلاف قانون محسوبست .

و شعبه در رای خود چنین استدلال نموده: در ماده ۱۶۵ برای مرتکب گناههای ذکر شده در آن ماده حد اکثر کیفری که برای توهین بمامورین دولتی قانوناً مقرر است معین شده که طبق ماده ۱۶۲ حد اکثر کیفر توهین یکسال حبس تادیبی است و بالتبعیجه کیفر کسانی که عملشان مشمول ماده ۱۶۵ میباشد مقطوعاً (بدون داشتن حد اقل و اکثر) یک سال حبس تادیبی میشود و در صورت احراز موجبات تخفیف دادگاه باید طبق قسمت اخیر ماده ۴۵ مکرر قانون نامبرده فقط تا معادل یکربع از میزان جزای اصل عمل تخفیف دهد... و بنا براین حکم را شکسته و بدادگاه استانی دیگر ارجاع کرده.

آندادگاه پس از رسیدگی و ثبوت عمل انتسابی بر طبق دادگاه استان سابق رای داده و حکم دادگاه جنحه را بدو ماه حبس تادیبی مجدداً استوار کرده و متهم محکوم شده باز از آن حکم فرجام خواسته و چون جهت فرجام خواستن او همان جهت اول بوده طبق ماده ۴۶۳ این مرتبه در جلسه هیئت عمومی مستشاران دیوان کشور مطرح شده و با اکثریتی متجاوز از دوثلث کل عده مستشاران چنین رای داده شده:

اگرچه در ماده ۱۶۵ قانون کیفر همگانی بایراد صدمه بدنی بر اشخاص مذکور در سه ماده پیش ازوزرا

و وکلا و دادرسان و سایر مستخدمین دولت عنوان توهین داده نشده ولیکن باملاحظه عنوان فصل (هتک حرمت نسبت بنمایندگان ملت و مامورین دولتی) و تعمیمی که در صدر ماده ۱۶۲ آنقانون ذکر شده (باشاره یا قول یا تهدید و غیره) و ملاحظه اینکه از خارج معلوم است که یکی از اقسام توهین هم ایراد صدمه بدنی است مسلم میشود که ماده ۱۶۵ مزبور در صدد بیان حکم این نحو خاص از توهین است چنانکه ماده ۱۶۶ هم در صدد بیان حکم توهینی است که بایراد جرح باشد بنابراین مفاد ماده مزبوره این است که اگر توهین بصورت ایراد صدمه بدنی باشد حداکثر کیفری که بحسب مورد برای توهین مقرر است بمرتکب داده میشود و بالینحال رعایت تخفیف هم در صورت وجود کیفیات مخففه بر طبق قسمت اول ماده ۴۵ مکرر آنقانون خواهد بود یعنی کیفر را از حداکثر تا حد اقل میتوان تنزل داد پس اعتراض دادستان دائر باینکه ماده ۱۶۵ مذکور برای ایراد صدمه بدنی باشخاص معین کیفر خاصی مقرر داشته و در مقام تخفیف از یکربع بیشتر نمیتوان از آن کسر نمود بشرح فوق وارد نیست و حکم مورد شکایت فرجامی که از سایر جهات هم اشکال مؤثری در آن ملاحظه نشد با اکثریت آراء استوار می شود.

حسن مشکان - طبسی

الزامی بودن وکیل در دادرسی مدنی

اکنون لازم است بنادر نشر گرفتن مواد مربوطه در اینموضوع بحث کنیم مواد مربوطه باجباری بودن وکیل در دو مرحله آخر دادگستری عبارتند از:

۱ - ماده ۵۸ آئین دادرسی مدنی - در دادگاههای بخش و شهرستان متداعین میتوانند شخصا یا بتوسط وکیل دادرسی کنند ولی در دادگاههای استان و دیوان کشور برای تقدیم دادخواست و دادرسی باید وکیل داشته باشند...

در شماره پیش راجع باهویت وکیل (نه دلیل؟) بطور تفصیل بحث نموده علل و موجبات و فلسفه را که قوانین مختلف در لزوم توسل بایندسته در نظر گرفته اند شرح دادیم و نیز متذکر شدیم قانون ایران مداخله وکیل را در مرحله پژوهش و فرجام (دادگاه استان و کشور) اجباری دانسته و بر اثر این الزام تفسیرات مختلفی از مواد قانون پیش آمده که در نتیجه با اشکالاتی در عمل مواجه شده ایم.